

## چشم‌انداز روند صلح خاورمیانه در سال ۲۰۰۹

حمیدرضا دهقانی<sup>۱</sup>

### مقدمه

متغیرهای متعددی در منطقه و جهان بر روند صلح خاورمیانه تأثیر دارند، در این مقاله به دنبال آن هستیم، تأثیر انتخابات هیجدهمین کنیست اسرائیلی و دولت ائتلافی بر آمده از این انتخابات را بر روند صلح خاور میانه (روند فلسطینی-اسرائیلی) مورد بررسی قرار دهیم؛ بر این اساس ابتدا مروری بر انتخابات کنیست خواهیم داشت و سپس به تشکیل دولت می‌پردازیم و در پایان تأثیر این دو تحول در صحنه داخلی اسرائیل را بر روند صلح مورد کنکاش قرار می‌دهیم؛ سؤال اصلی در این تحقیق عبارت است از اینکه آیا انتخابات اسرائیل مانع روند صلح است و سرنوشت صلح فلسطینی - اسرائیلی در سال‌های آتی چه خواهد بود؟

هیچ موضوعی همانند تحولات مربوط به صلح خاورمیانه از این درجه از اهمیت برخوردار نیست. لذا برتری بخشیدن به هر موضوعی جز حل و فصل ریشه‌ای بحران فلسطین، یک اقدام انحرافی محسوب می‌شود. از سوی دیگر همچنان که اقدام نامشروع تاسیس اسرائیل در ۶۰ سال روشی انحرافی در حل مشکل در فلسطین محسوب می‌شود، اقدامات بعدی در جنگ و صلح نیز هر دو راه‌حل‌های غیرواقعی‌گرایانه و یا غیرریشه‌ای و بدون توجه به مبانی مشکل بوده و آنها نیز انحرافی جدید در این مسیر محسوب می‌شوند. روند صلح در خاورمیانه پس از چندین جنگ بین رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی از سال ۱۹۶۷ شروع شد. پس از جنگ ۱۹۶۷ شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه ۲۴۲ را صادر کرد و خواستار خروج فوری نیروهای رژیم صهیونیستی از سرزمین‌های اشغالی جنگ اخیر شد. ۶ سال بعد هنگامی که جنگ ۱۹۷۳ آغاز شد و قطعنامه ۳۳۸ بر مفاد قطعنامه ۲۴۲ تأکید کرد، طرح‌های متعددی

۱. رئیس مرکز مطالعات خاورمیانه و خلیج فارس.

برای صلح در خاورمیانه مطرح شد که مبنای اکثریت قریب به اتفاق آنها اصل زمین در مقابل صلح بود؛ این روند بویژه از ابتدای دهه نود میلادی هنگامی که جنگ اول آمریکا علیه عراق به پایان رسید، با کنفرانس بین‌المللی صلح در مادرید شدت گرفت و کشورهای عربی با امید کمک ایالات متحده آمریکا (در جریان کمکی که این کشورها به آمریکا در جنگ علیه عراق ارائه کردند) به مادرید رفتند و مذاکرات دوجانبه و چندجانبه صلح آغاز شد. این روند ناگهان در ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۳ و پس از مذاکرات محرمانه اسلو به توافقنامه اصول<sup>۱</sup> انجامید و یک‌سال بعد در ۱۹۹۴ صلح اردن و اسرائیل<sup>۲</sup> با توافقنامه استمرار یافت و قراردادهای و توافقنامه‌های صلح یکی پس از دیگری بین عرفات و طرف اسرائیلی به امضاء رسید و تا آنجا پیش رفت که سوری‌ها نیز در مذاکره با اسرائیلی‌ها<sup>۳</sup> مرز خود را دریاچه طبریا دیدند ولی ترور اسحاق رابین در اسرائیل تمامی توافقات را با هاله‌ای از ابهام روبرو کرد. اگرچه نتایج بعدی در سال ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ توافقنامه‌های الخلیل<sup>۴</sup> و وای ریور<sup>۵</sup> را با فلسطینی‌ها امضا کرد ولی روند سوری صلح متوقف شد و هرگز تلاش‌های بعدی نیز آن را به اواخر سال ۱۹۹۵ و اوایل سال ۱۹۹۶ بازنگرداند. فشار مقاومت اسلامی در لبنان ایهود باراک نخست وزیر وقت رژیم صهیونیستی را بر آن داشت که پس از ۲۳ سال از جنوب لبنان عقب‌نشینی کند. مذاکرات نهائی در سال ۲۰۰۰ بین عرفات و ایهود اولمرت به جهت موضوع قدس و آوارگان به شکست انجامید و در طول ۹ سال گذشته هرگز دو طرف نتوانستند از این دو مانع عبور کنند؛ بلکه آنچه را در طول دهه نود بدان دست یافته بودند با روی کار آمدن آریل شارون و شروع انتفاضه الاقصی و روی کار آمدن جورج بوش و نوحافظه کاران و حمله به برج‌های دوقلو در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به یکباره روند امور را در مسیر دیگری که صلح نبود رقم زد و اولویت سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در منطقه را از دوره هشت ساله بیل کلینتون در تمرکز بر گفتگوهای صلح و توجه دوره چهارساله جورج بوش پدر و برگزاری کنفرانس مادرید و گفتگوهای فلسطینی-اسرائیلی

1. The Declaration of Principles on Interim Self-Government Arrangements
2. The Treaty of Peace between the State of Israel and the Hashemite Kingdom of Jordan.
3. The Shepherdstown Negotiations
4. Protocol Concerning the Redeployment in Hebron
5. Wye River Memorandum

به تمرکز بر موضوع افغانستان و عراق تغییر داد. این روند (به هر نحو و با هر ملاحظه‌ای) هم اکنون با تحولاتی که در سطح منطقه و جهان روی داده در نقطه عطف مهمی قرار گرفته است. در داخل فلسطین جنبش مقاومت فلسطین حماس و جنبش جهاد اسلامی فلسطین و دیگر گروه‌های مقاومت به پیروزی دست یافته‌اند؛ و اسرائیلی‌ها و مردم و دولت‌های منطقه و جهان با پدیده جدیدی به نام مقاومت در بین فلسطینی‌ها روبرو هستند. در داخل اسرائیل انتخابات پارلمان و پیروزی افراط‌گرایان و تشکیل دولت دست‌راستی و افراطی نتانیا‌هو، مردم و دولت‌های منطقه را شوکه کرده است. در سطح جهانی ایالات متحده آمریکا با انتخاباتی کم‌نظیر در تاریخ این کشور و شعار تغییر، مردم آمریکا و جهانیان را در انتظار تحول در سیاست‌های آمریکا قرار داده است. به‌طور طبیعی انتظار می‌رود، این تغییر بیشتر از هر جای دیگری در خاورمیانه روی دهد. بررسی تغییر و تحول روی داده در اسرائیل بر روند صلح فلسطینی-اسرائیلی می‌تواند چشم‌اندازی از آینده صلح در خاورمیانه را ترسیم نماید؛ آنچه در ادامه می‌آید نگاهی به این تحولات و تأثیر آن بر صلح خاورمیانه است.

### انتخابات هیجدهمین کنیست اسرائیل

اسرائیلی‌ها علاوه بر گزارش وینوگ‌راد، پرونده دیگری نیز در دادگاه‌های اسرائیل برای ایهود اولمرت باز کردند و آن پرونده فساد و دریافت اموال غیرقانونی از یک یهودی آمریکایی بنام موریس تالانسکی<sup>۱</sup> بود. اولمرت برای فرار از محاکمه و خلاصی از این پرونده در ۳۰ جولای ۲۰۰۸ اعلام کرد برای انتخابات آتی حزب لیکود در ۱۷ سپتامبر کاندیدای ریاست حزب نخواهد شد و پس از انتخاب رئیس جدید، از ریاست دولت هم استعفاء خواهد داد؛ او با این اقدام خود را از معرکه محاکمه و آبروریزی و برکناری به دلیل فساد خارج کرد. در انتخابات ۱۷ سپتامبر ۲۰۰۸ تزپی لیونی<sup>۲</sup> وزیر خارجه و شاؤول موفاز<sup>۳</sup> وزیر ارتباطات به‌دنبال نامزدی ریاست حزب کادیمما بودند؛ سرانجام پس از رأی‌گیری لیونی به پیروزی رسید و به ریاست حزب کادیمما برگزیده شد. با انتخاب لیونی به ریاست حزب و ریاست بزرگترین فراکسیون کنیست

1. Morris Talanski  
2. Tzipi Livni  
3. Shaul Mofaz

هفدهم، اولمرت وی را مامور تشکیل کابینه جدید کرد؛ او در مدت قانونی تلاش‌های زیادی را بعمل آورد تا دولت ائتلافی جدیدی تشکیل دهد و جایگزین گلدامایر شود؛ ولی این تلاش‌ها به دلیل عدم همراهی حزب شاس به نتیجه نرسید و ناچار شد انتخابات زودرس اعلام نماید. بر این اساس در ۲۰۰۹/۲/۱۰ انتخابات هیجدهمین کنیست اسرائیلی برگزار شد. در این انتخابات، ۵ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر از شرایط رأی دادن برخوردار بودند و در حالی که به دلیل بدی آب و هوا پیش‌بینی شده بود که میزان مشارکت در انتخابات کم باشد، اما مشارکت بیش از حد انتظار بود و ۵۹/۷ درصد از واجدان شرایط رأی‌دهی، رأی خود را به صندوق‌ها ریختند. این میزان ۲/۵ درصد بیش از شمار رأی‌دهندگان انتخابات مارس ۲۰۰۶ بود.<sup>(۱)</sup> سه حزب اصلی لیکود، کادیما و کار و حزب دست‌راستی و تندرو اسرائیل خانه ما<sup>۱</sup> و شاس احزاب پیروز این انتخابات بودند. احزاب اسرائیل خانه ما و مفاذل<sup>۲</sup> و شاس، جزو احزاب دست‌راستی و تندرو هستند که با سیاست‌های حزب لیکود به رهبری بنیامین نتانیاهو همخوانی بیشتری دارند و در این انتخابات پیروز شدند. نتایج انتخابات ۱۰ فوریه ۲۰۰۹ اسرائیل به شرح زیر بود: حزب کادیما، ۲۸ کرسی؛ حزب لیکود، ۲۷ کرسی؛ حزب اسرائیل خانه ما ۱۵ کرسی؛ حزب کارگر ۱۳ کرسی؛ حزب شاس به رهبری ایلی یشای، ۱۱ کرسی؛ میرتس ۳ کرسی و سه حزب متعلق به اعراب اسرائیلی جمعاً موفق به کسب ۱۱ کرسی از پارلمان ۱۲۰ عضوی اسرائیل شدند. با وجود آن که حزب کادیما ۲۸ کرسی در کنیست به‌دست آورد، اما لیونی و حزبش در مجموع تنها از حمایت ۵۵ نماینده از جمله نمایندگان عرب برخوردار بودند. در نقطه مقابل، لیکود حمایت ۶۵ نماینده کنیست را داشت و لذا با توجه به اینکه تشکیل کابینه به حداقل ۶۱ کرسی از مجموع ۱۲۰ کرسی پارلمان نیاز دارد، روشن بود لیونی و کادیما نمی‌توانند دولت ائتلافی را تشکیل دهند؛ بنا براین نتانیاهو مسئول تشکیل کابینه شد.<sup>(۲)</sup> نقش اصلی پس از انتخابات در دست آویگدور لیبرمن رهبر حزب اسرائیل خانه ما است. او قدرتمندترین چهره برآمده از این انتخابات بود. حزب او شاید در جایگاه سوم این انتخابات قرار گرفت اما بی‌شک توازن قدرت در اسرائیل در دستان لیبرمن است. تنها ۱۳ کرسی از کرسی‌های پارلمان، سهم لیبرمن و حزبش از این انتخابات بود اما این لیبرمن است که تعیین می‌کند چه کسی

---

1. Yisrael Beitenu  
2. Mafdal

نخست‌وزیر باشد و چه کسی به پستی کمتر رضایت دهد. در صورتی که لیبرمن به بنیامین نتانیا هو روی خوش نشان دهد و لیونی را از صحنه معادلات مستقیم سیاسی حذف کند. نتیجه این انتخابات دولتی کارآمد نیست بلکه تنها ماحصل آن ائتلافی ناپایدار خواهد بود.

### پیام‌های انتخابات پارلمان اسرائیل

انتخابات هیجدهمین کنیست اسرائیل حاوی پیام‌های مهمی بود؛ با مطالعه این پیام‌ها علاوه بر پیش‌بینی آینده تحولات داخلی اسرائیل، تأثیر این تحولات بر روند صلح روشن خواهد شد:

۱. بحران عمیق هویت و مشروعیت در اسرائیل یکبار دیگر در این انتخابات روشن شد؛ به‌دست آوردن ۱۱ کرسی کنیست توسط عرب‌های ساکن اراضی ۱۹۴۸ و پراکندگی آراء در بین احزاب (بالاترین تعداد کرسی توسط حزب تازه تأسیس کادیم ۲۸ کرسی) و رشد احزاب کوچک و تند رو و توزیع آرا در بین آنها و مشکل شدن تشکیل ائتلاف حکومتی از جمله این موارد است.<sup>(۳)</sup>

۲. مرگ سیاسی جناح چپ اسرائیل و شکست ایدئولوژیک حزب کار به عنوان سمبل جناح چپ اسرائیل در این انتخابات و در انتخابات سال‌های اخیر مهمترین تغییر در صحنه سیاسی رژیم صهیونیستی است. در حالی که حزب کار از ۶۰ سال حکومت رژیم صهیونیستی نزدیک چهل سال در قدرت بود، کنار رفتن از صحنه سیاسی مفاهیم مهمی را با خود به همراه دارد.

۳. تمایل به تندروی در نزد انتخاب‌کننده اسرائیلی: اسرائیلی‌ها در این انتخابات به‌طور مشخصی بر تمایل خودشان در تند روی مهر تأیید زدند؛ آنها با انتخاب احزاب تند رو بویژه لیکود و اسرائیل خانه ما و شاس نشان دادند که به تندروی اشتیاق فراوان دارند.

۴. عدم استقرار سیاسی: دولت ائتلافی تازه تأسیس اسرائیل با ائتلافی دست‌راستی و اکثریتی ناپایدار نمی‌تواند برای طولانی مدت ادامه یابد و استمرار آن به مدت چهار سال بسیار ضعیف است. عدم استقرار سیاسی در دو دهه اخیر به نحوی رو

به افزایش نهاده که هر دولتی به‌طور متوسط ۲ سال عمر داشته و در پست‌های نخست وزیری و وزارتخانه‌های دفاع، خارجه و دارایی ۱۹ نفر ۲۷ بار جابجا شده‌اند.<sup>(۴)</sup>

۵. فلسطینی‌ها و همسایگان عرب با نگرانی بسیار به نتیجه انتخابات اسرائیل واکنش نشان دادند. کادر رهبری فلسطینی‌ها از رهبری اسرائیل خواست که پیام آشکاری درباره تعهد به راه حل تشکیل دو کشور مستقل در این منطقه منتشر کند. روزنامه «الاهرام» نوشت: «آیا ممکن است جامعه‌ای که برای صلح می‌کوشد فاشیستی مانند لیبرمن را این چنین پشتیبانی کند؟»<sup>(۵)</sup>

### تشکیل دولت ائتلافی نتانیاهاو

سرانجام در ۱۱ فروردین ماه ۸۸ رژیم صهیونیستی با ۶۹ رأی مثبت و ۴۵ رأی منفی به وزرای پیشنهادی بنیامین نتانیاهاو رییس حزب لیکود و مامور تشکیل کابینه جدید این رژیم رأی اعتماد داد. ائتلاف جدید شامل حزب «لیکود»، حزب «اسرائیل خانه ما» به ریاست «آویگدور لیبرمن» و حزب «شاس» و بخشی از حزب «کار» است. پنج نماینده عضو حزب کار در اعتراض به پیوستن ایهود باراک رییس حزب کار به کابینه ائتلافی نتانیاهاو حضور نیافتند. بنیامین نتانیاهاو که از سال ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۹ نخست وزیر اسرائیل بود، بلافاصله پس از تأیید دولت از سوی پارلمان، قسم یاد کرد و پس از ۱۰ سال مجدداً به عنوان نخست وزیر اسرائیل معرفی شد.<sup>(۶)</sup>

سی وزیر دولت جدید اسرائیل به شرح زیر هستند:

- حزب لیکود ۱۴ وزیر: به همراه بنیامین نتانیاهاو به عنوان نخست‌وزیر که وزارت امور بازنشستگان و بهداشت و امور استراتژی اقتصادی را نیز بر عهده دارد. موشه یعلون وزیر امور استراتژیک و قائم مقام نخست‌وزیر، سیلوان شالوم وزیر توسعه محلی و قائم مقام نخست‌وزیر، دان میریدور وزیر اطلاعات و معاون نخست‌وزیر، یووال شتاینیتز وزیر دارایی، گدعون سار وزیر آموزش و پرورش، اسرائیل کاتز وزیر حمل و نقل، موشه کحلون وزیر ارتباطات، لیمور لیونات وزیر فرهنگ و ورزش، یولی ادلشتاین وزیر اطلاع‌رسانی، میخائیل ایتان وزیر خدمات عمومی، گلعاد اردان وزیر بهداشت و مسئول ارتباط با پارلمان، بنی بیگن وزیر مشاور، یوسی بیلید وزیر مشاور.

- حزب اسرائیل خانه ما با پنج وزیر: اویگدور لیبرمن وزیر امور خارجه و معاون نخست‌وزیر، اسحاق آهارونویچ وزیر امنیت داخلی، عوزی لاندائو وزیر امور زیربنایی، ستاس میسنزیکوف وزیر جهانگردی، سووا لاندور وزیر مهاجرین.

- حزب کار با پنج وزیر: ایهود باراک وزیر دفاع و معاون نخست‌وزیر، شالوم سمحون وزیر کشاورزی، بنیامین بن‌الیعزر وزیر بازرگانی و صنایع، اسحاق هرتزوگ وزیر امور اجتماعی، آویشای براورمن وزیر امور اقلیت‌ها.

- حزب شاس با چهار وزیر: ایلی یشای وزیر امور داخلی و معاون نخست‌وزیر، آریل اتیاس وزیر مسکن، یاکوف مارگی وزیر ادیان، میشلام نهاری وزیر مشاور. حزب خانه یهودی با یک وزیر: دانیل هرشکوویتز وزیر آموزش عالی و سرانجام یک وزیر غیرحزبی: یاکوف نئمان وزیر دادگستری.<sup>(۷)</sup>

بی‌شک این دولت یکی از افراطی‌ترین دولت‌های اسرائیلی ظرف سال‌های گذشته است. در نتیجه پیش‌بینی می‌شود با روی کار آمدن چنین دولتی هرگونه عقب‌نشینی از بلندی‌های جولان برای همیشه غیرممکن خواهد شد. پرونده مذاکره با سوریه هم بسته می‌شود. بیت‌المقدس برای مدت زمان نامعلومی در دست اسرائیلی‌ها باقی خواهد ماند و صلح با فلسطینی‌ها چه از طیف فتح و چه از جریان حماس هم مسکوت باقی خواهد ماند. با پیش‌تازی احزاب راست‌گرا، تشکیل دولت در اسرائیل دشوار شد. حزب لیکود همراه با سایر احزاب راست و راست افراطی، با به‌دست آوردن ۶۵ کرسی از مجموع ۱۲۰ کرسی موجود، دولتی راست‌گرا مرکب از حزب لیکود و احزاب دست‌راستی و افراطی دیگر تشکیل داد. نتانیاهو در ۲۱ اکتبر سال ۱۹۴۹ در تل‌آویو به دنیا آمد و تحصیلات دبیرستان را در آمریکا گذراند. در سال ۱۹۶۷ به ارتش پیوست و تا سال ۱۹۷۲ افسر یگان ویژه شناسایی و ترور فلسطینی‌ها بود. نتانیاهو در سال ۱۹۷۲ ارتش را رها کرد. مدرک کارشناسی در رشته معماری و کارشناسی ارشد در رشته مدیریت بازرگانی را در آمریکا دریافت کرد و به استخدام مؤسسه مشاورین بوستون آمریکا درآمد. در سال ۱۹۸۲ نایب‌رئیس هیات اعزامی رژیم صهیونیستی به واشنگتن پیرامون نحوه همکاری استراتژیک میان آمریکا و رژیم صهیونیستی شد. از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۸ سفیر رژیم صهیونیستی در سازمان ملل و سپس در سال ۱۹۸۸ معاون وزیر امور خارجه و از سال ۱۹۹۱ معاون نخست‌وزیر بود. در اکتبر ۱۹۹۱ به

عنوان رئیس هیأت گفتگوهای صلح در مادرید انتخاب شد. در ۲۵ مارس ۱۹۹۳ به ریاست حزب لیکود برگزیده شد. در ماه می ۱۹۹۶ پس از شکست شیمون پرز به عنوان نهمین نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی انتخاب شد و تا ۱۹۹۹ نخست‌وزیر و همزمان وزیر مسکن بود وی در دوره نخست‌وزیری شارون وزیر خارجه شد.<sup>(۸)</sup>

### روابط دولت‌های جدید در اسرائیل و آمریکا

یکی از مهمترین مشکلات سیاست خارجی اوپاما در خاورمیانه قدرت گرفتن حزب لیکود و احزاب دست‌راستی و افراطی است. قطعاً سیاست خارجی جدیدی که روی کار آمدن اوپاما در ایالات متحده آمریکا برای خاورمیانه نوید می‌داد، با روی کار آمدن نتانیاهو و لیبرمن و شکست حزب کار سازگار نیست. آیا اوپاما می‌تواند همین سطح از توافق یا تصویری را که دولت کلینتون در سال ۲۰۰۰ برای دولتش ترسیم کرده بود و همراه با ایهود باراک در دستیابی به آن ناکام ماند، برآورده سازد یا اینکه اوپاما نیز به دستیابی به هدفی کمتر از آن و یا شاید بیشتر دل خوش کند.<sup>(۹)</sup> دولت ائتلافی نتانیاهو با ترکیب فوق، یک دولت راست افراطی بوده و در گروهان احزاب کوچک است در این دولت نه فقط ایجاد پایداری و ثبات بسیار مشکل است، بلکه به علت رویکرد افراطی خود در مقابل روند صلح با اعراب، به سرعت با دولت باراک اوپاما رئیس‌جمهور آمریکا اصطکاک پیدا خواهد کرد. به همین دلیل در ابتدا نتانیاهو تلاش کرد با کادیمما به توافق برسد. برای دولت اوپاما نیز تشکیل ائتلاف لیونی و نتانیاهو بهترین گزینه بود. در صورت تحقق چنین ائتلافی یکی از دو طرف باید قید نخست‌وزیری را می‌زد و یا به صورت متناوب به نخست‌وزیری دست می‌یافت؛ تلاش‌ها برای دست‌یابی به این ائتلاف بی‌نتیجه پایان یافت و سرانجام نتانیاهو ناچار شد با احزاب دست‌راستی و حزب کار ائتلاف نماید.<sup>(۱۰)</sup> برای ایالات متحده آمریکا و شخص اوپاما گزینه لیونی یا ایهود باراک بهتر از نتانیاهو بود و تشکیل ائتلاف بزرگ از لیونی و نتانیاهو نیز می‌توانست گزینه مناسبی برای اوپاما باشد؛ در هر صورت نتانیاهو نمی‌تواند گزینه مناسبی برای سیاست‌های اوپاما باشد؛ بویژه زمانی که شخصی همچون لیبرمن عضو مهم و وزیر خارجه دولت ائتلافی باشد؛ بر این مینا او برای باراک اوپاما همراه خوبی به حساب نمی‌آید. ولی از سوی دیگر با دید گفت باتوجه به سابقه نتانیاهو و حضور او در ایالات

متحده چه در مدت تحصیل و چه برای مسؤولیت‌های دیپلماتیک، می‌توان او را یکی از سیاستمداران امریکایی، اسرائیل به شمار آورد. او به خوبی بر فواید برخورداری از حمایت امریکا و محرومیت از حمایت‌هایشان و نقشی که در منطقه و جهان دارند، آگاه است. مناسب است اضافه شود که نتانیاهو در دهه نود میلادی یکی از تندروترین رهبران اسرائیل محسوب می‌شد ولی با قدرت گرفتن حزب اسرائیل خانه ما به رهبری اوینگدور لیبرمن، نتانیاهو دیگر تندروترین رهبر اسرائیل محسوب نمی‌شود. لذا ترجیح داد ابتدا در گفتگو با لیونی با حزب کادیما ائتلافی برای حکومت جدید را شکل دهد.

### پیش‌بینی آینده روند صلح

شاید برای پیش‌بینی تحولات آتی توجه به اظهارات یوسی بیلین مفید باشد. وی در پاسخ به سخنان ایهود اولمرت، در مورد اشتباه بودن تسلط به زور بر همه سرزمین‌های اشغالی می‌گوید: «این سخنان جدیدی نیست و او با این اظهارات به جرگه همه نخست‌وزیرهای اسرائیلی سابق می‌پیوندد، حتی آنهایی که از حزب لیکود آمده‌اند. از مناخیم بیگن شروع کنیم که تصمیم داشت خانه‌اش را در سینا بنا نهد ولی به یک‌باره از همه سینا دست برداشت. سپس اسحاق شامیر در کنفرانس مادرید شرکت کرد و در پشت این تریبون بین‌المللی سخنانی بیان داشت که خطرناک‌ترین اظهار نظری بود که می‌توان گفت. سپس نتانیاهو الخلیل را پس داد و در معاهده وای ریور موافقت کرد که از برخی مناطق دست کشیده و براون لاودر را برای عقب‌نشینی از بلندی‌های جولان به مذاکره با سوریه فرستاد. شارون یک‌باره و حتی بدون معاهده‌ای از نوار غزه عقب‌نشینی کرد. مردم ساده‌لوح فراوانی به دنبال این رهبران پرچم اسرائیل را به دوش کشیدند و اینها در نهایت به اشتباهات گسترده خود اعتراف می‌کنند. آنها فهمیده‌اند که خبری هست. کسانی که مدت‌هاست سخن از حفظ اکثریت یهودی در اسرائیل دموکراتیک می‌زدند، در واقع صهیونیست‌هایی حقیقی هستند، نه کسانی که به دنبال قتل عام و تبعید فلسطینی‌ها هستند تا بتوانند اکثریت جمعیتی یهودی را به دست بیاورند. اولمرت در واقع با من همفکر است، ولی به جای اینکه عملیات صلح را به پیش ببرد تا به معاهده صلحی با ابومازن برسد، به سمت جنگ بی‌سرانجام با لبنان رفت و از همه بدتر اینکه افرادی همانند لیبرمن را به دولت خود دعوت کرد. سؤال این است که اولمرت که

تقریباً حدود هفتاد طرفدار در کنیست دارد، چرا از فرصت بوجود آمده برای صلح با فلسطین استفاده نکرد؟ روابط گرم وی و ابو مازن به چه دردی خورد به جز هدر دادن فرصتی که امیدواریم آخرین فرصت نباشد»<sup>(۱۱)</sup>

باتوجه به نتایج انتخابات هیجدهمین کنیست اسرائیل، به نظر می‌رسد نقش اصلی در دولت اسرائیل چه در مرحله تشکیل و چه در ادامه راه و استمرار آن در دست آویگدور لیبرمن رهبر حزب اسرائیل خانه ما است. او قدرتمندترین چهره این انتخابات است. حزب او در جایگاه سوم است و توازن قدرت در اسرائیل در دست اوست.

لیبرمن با ۱۳ کرسی، سهم مهمی در ساختار آتی ایفا خواهد کرد. با این ائتلاف اسرائیل افراطی‌ترین دولت خود ظرف ۲۰ سال گذشته را تجربه خواهد کرد. با توجه به شهرت بنیامین نتانیاهو در سطح بین‌المللی به تندروی برخی معتقدند پرونده مذاکره با سوریه بسته می‌شود و هر گونه عقب‌نشینی از بلندی‌های جولان برای همیشه غیرممکن خواهد شد؛ بیت‌المقدس برای مدت زمان نامعلومی در دستان اسرائیلی‌ها باقی خواهد ماند و صلح با فلسطینی‌ها (چه با فتح و چه با حماس) مسکوت باقی خواهد ماند. اسرائیل یک شبه مردی مانند آویگدور لیبرمن را به عرش رساند، کسی که در هیچ دورانی نتوانست آن گونه که باید برای خود مقبولیت داشته باشد. در این میان شمار اندکی از فلسطینی‌ها از انتخاب او در مقام وزارت خارجه خشنود هستند چرا که به‌زعم آنها لیبرمن حداقل چهره واقعی اسرائیل را به غرب نشان می‌دهد. نخست‌وزیر جدید اسرائیل به صراحت اعلام کرده که هیچ راه کاری برای تشکیل دو دولت مستقل فلسطینی و اسرائیلی در کنار هم در خاطر ندارد. او حتی با کاشتن نمادین یک نهال در بلندی‌های جولان نشان داد که سوری‌ها هیچ‌گاه به آرزوی بازپس گرفتن سرزمین‌های خود دست نمی‌یابند. اکنون چنین سیاستمداری با این گونه تفکر افراطی مردی را به کابینه خود راه داده است که حتی عرب‌های ساکن در اسرائیل را به چشم شهروند درجه دو می‌بیند. از چنین کابینه‌ای چه طور می‌توان انتظار مصالحه داشت؟<sup>(۱۲)</sup>

نتانیاهو خواستار حمایت اقتصادی از تشکیلات خودگردان فلسطین در کرانه باختری رود اردن است. اما برای او گسترش شهرک‌های اسرائیلی مهم‌تر از تشکیل کشور فلسطین است. به همین دلیل، پیش‌بینی می‌شود که روند صلح، با دشواری روبرو شود.<sup>(۱۳)</sup> از سوی دیگر نتانیاهو باتوجه به تحصیلاتش در آمریکا و سفارت اسرائیل در سازمان ملل متحد، روابط خوبی را با مهم‌ترین هم‌پیمان و حامی اسرائیل (ایالات

متحدہ آمریکا) برقرار کرد و برخلاف تمامی شعارهای انتخاباتی توافقنامه الخلیل را در سال ۱۹۹۷ و توافقنامه وای ریور را در سال ۱۹۹۸ امضاء کرد. البته در عمل این توافقنامه‌ها را زیرپا گذاشت و با کاهش محبوبیت و افزایش مخالفت‌ها ناچار به کناره‌گیری و اعلام انتخابات زودرس شد و بیش از سه سال از صحنه سیاست کناره گرفت ولی در دوره حضور و علی رغم شعارهای داغ به امضای توافقنامه و استمرار روند اسلو تن داد. او در اواخر دهه نود شعار «زمین در مقابل صلح» را به «صلح در مقابل امنیت» تغییر داد و امروز شعارش پافشاری در بعد امنیت و واقع‌گرایی در سیاست است. نتانیاهو از بکارگیری مذاکره صلح با فلسطینی‌ها پرهیز دارد و از آن تحت عنوان «اداره روند سیاسی با فلسطینی‌ها» تعبیر می‌کند. نتانیاهو طرح دو دولت را مشروط بر آنکه این دولت خطری برای اسرائیل ایجاد نکند؛ از جمله این دولت نمی‌تواند در فضا حاکمیت داشته باشد و یا به تشکیل ارتش و واردات سلاح اقدام کنند و به‌طور کلی دولت فلسطین مورد نظر نتانیاهو فاقد مقومات دولت است. نابودی حماس هدف استراتژیک نتانیاهو است که از طریق سیاسی، اقتصادی و نظامی در صورت ضرورت به‌دست می‌آید و هیچ مذاکره‌ای با حماس صورت نخواهد گرفت و در هرگونه مذاکره‌ای حماس طرف آن نخواهد بود.

در مجموع نمی‌توان به مخالفت نتانیاهو یا لیبرمن با سیاست‌های ایالات متحده و شخص او یا امیدوار بود؛ اگرچه وضعیت سال ۱۹۹۶ با سال ۲۰۰۹ بسیار متفاوت است و نتانیاهو نیز با آنچه در سال ۹۶ از او سراغ داشتیم متفاوت است و می‌توان گفت او در آن روزگار تندروتر از امروز بود و لیبرمن نسخه جدیدتر و تندروتری از نتانیاهو است و امروز نقش نتانیاهو در سال ۹۶ را بازی می‌کند. ولی حتی نتانیاهو آنروز هم توافقنامه الخلیل را در سال ۹۷ و توافقنامه وای ریور را در سال ۹۸ با طرف فلسطینی به امضا رساند. او آنقدر که تظاهر می‌کند مستقل از ایالات متحده آمریکا عمل نمی‌کند. به میزان زیادی تندروی‌ها در چارچوب شعارهای انتخاباتی قابل تحلیل است. این امر به معنای مواجه بودن با کلینتون ۲ و سلسله‌ای از گفتگوهای صرف و تکرار گذشته نیست؛ ولی به معنای دستیابی به صلح در خاورمیانه در سال ۲۰۰۹ هم نیست؛ ما در این مرحله و در حالی که از مفهوم حقیقی و ماهوی دو دولت فلسطینی و اسرائیلی در حال دور شدن هستیم ولی در شکل و بیشتر از آن در شعار در حال نزدیک شدن به

ماهیتی نامفهوم از وضعیتی هستیم که در آن روند تشکیل دو دولت در دسترس قرار می‌گیرد ولی در حقیقت تلاش چند جانبه‌ای صورت می‌پذیرد و طی آن ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی، کشور های عربی و حتی برخی از فلسطینی‌ها به دنبال رفع موانع مذاکرات نهایی در سال ۲۰۰۰ و در راس آنها قدس و آوارگان هستند؛ موضوعی که در کنفرانس آنابولیس و قبل از آن در ابتکار صلح عربی در سال ۲۰۰۲ در بیروت بدان توجه و تعهد شده است. بنا براین در سال ۲۰۰۹ ما با دو کشور فلسطینی و یهودی مواجه نیستیم؛ بلکه آنها به دنبال آن هستند که در یک سو (در بخش اعظمی از سرزمین تاریخی فلسطین) کشوری یهودی به نام اسرائیل را مستقر نمایند و آن را از بحران هویت و مشروعیت خارج نمایند و در دیگر سو (در بخش کوچکی از فلسطین و بخش‌هایی از اردن و یا مصر) با مجموعه‌هایی پراکنده (و در عین حال وابسته به رژیم صهیونیستی) بنام دولت خودگردان فلسطینی و یا فلسطینی- اردنی روبرو هستیم. این مجموعه‌ها یا فاقد عناصر ضروری دولت (همچون ارتش) هستند و یا به رژیم صهیونیستی وابسته خواهند بود و حداکثر آنکه این ماهیت با هر نامی در چارچوب یک نظام امنیت منطقه‌ای به ادامه حیات خواهد پرداخت. به‌طور خلاصه باید گفت در سال ۲۰۰۹ اسرائیل و ایالات متحده آمریکا و غرب و برخی از کشور های عربی بسیار ضعیف‌تر از سال‌های پایانی دهه نود هستند و محور مقاومت در سطح کشورها و گروه‌ها به‌مراتب قوی‌تر از آن سال‌ها بوده و لذا اگرچه اسرائیلی‌ها از روی ناچاری و استیصال به مجموعه‌های تندروی چون لیبرمن و نتانیا هو روی آورده‌اند ولی همخوانی با این سیاست‌ها تأمین‌کننده منافع ایالات متحده آمریکا نیست و سرانجام این اسرائیل است که باید در چارچوب سیاست‌های ایالات متحده به ایفای نقش بپردازد. این امر به معنی آن است که اسرائیل ناچار است در چارچوب سیاست‌های آمریکا و اوباما برای منطقه، نوعی تحرک و همراهی و پائین آوردن توقع در برابر فلسطینی‌ها را از خود نشان دهد و اظهارات لیبرمن و نتانیا هو در برابر نقشه راه و آنابولیس نمی‌تواند جدی تلقی شود. این امر البته به معنی پایان یافتن و حل مسئله در خاورمیانه نیست.

## یادداشت‌ها

1. <http://www.jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=100898771084>

2. <http://www.jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=100898806037>

۳. تعداد کرسی‌های احزاب اول و دوم در دوره‌های هفده‌گانه کنیست

دوره	حزب اول	تعداد کرسی	حزب دوم	تعداد کرسی	تاریخ
۱	حزب کارگر	۴۶	حزب کارگران واحد	۱۹	۱۹۴۹/۱۲/۲۵
۲	حزب کارگر	۴۵	جنبش صهیونیست	۲۰	۱۹۵۱/۷/۳۰
۳	حزب مبای	۴۰	فراکسیون حیروت	۱۵	۱۹۵۵/۷/۲۶
۴	حزب کارگر	۴۷	فراکسیون حیروت	۱۷	۱۹۵۹/۹/۳
۵	حزب کارگر	۴۲	فراکسیون حیروت	۱۷	۱۹۶۱/۸/۱۵
۶	حزب تجمع	۴۵	فراکسیون حیروت	۲۶	۱۹۶۵/۱۱/۱
۷	حزب تجمع	۵۶	فراکسیون حیروت	۲۶	۱۹۶۹/۱۰/۲۸
۸	حزب تجمع	۵۱	حزب لیکود	۳۹	۱۹۷۳/۱۲/۳۱
۹	حزب لیکود	۴۳	حزب تجمع	۳۲	۱۹۷۷/۵/۱۷
۱۰	حزب لیکود	۴۸	حزب تجمع	۴۷	۱۹۸۱/۶/۳۰
۱۱	حزب تجمع	۴۴	حزب لیکود	۴۱	۱۹۸۴/۷/۲۳
۱۲	حزب لیکود	۴۰	حزب تجمع	۳۹	۱۹۸۸/۱۱/۱
۱۳	حزب کار	۴۴	حزب لیکود	۳۲	۱۹۹۲/۵/۲۳
۱۴	حزب کار	۳۴	احزاب لیکود، گیشر، تسومیت	۳۲	۱۹۹۶/۵/۲۹
۱۵	اسرائیل واحد	۲۶	حزب لیکود	۱۹	۱۹۹۹/۵/۱۷
۱۶	حزب لیکود	۳۸	حزب کار	۱۹	۲۰۰۳/۱/۲۸
۱۷	حزب کادیما	۲۹	حزب کار	۱۹	۲۰۰۶/۳/۲۸
۱۸	حزب کادیما	۲۸	حزب لیکود	۲۷	۲۰۰۹/۲/۱۰

۴. نخست‌وزیران اسرائیل در طول شصت‌سال گذشته عبارتند از:

نام نخست‌وزیر	تعداد و مدت زمانی
دیود بن گورین	۹ بار و حدود ۱۴ سال
موشیه شاریت	دو بار و حدود ۲ سال
لیوی اشکول	۳ بار و حدود ۶ سال
ییگال آلون	کفیل نخست‌وزیری
گولدا مائیر	۳ بار و حدود ۵ سال
اسحاق رابین	۲ بار و حدود ۷ سال
مناخم بگین	۲ بار و حدود ۶ سال

اسحاق شامیر	۴ بار و حدود ۷ سال
شیمون پرز	۲ بار و حدود ۳ سال
بنیامین نتانیاھو	بار اول حدود ۲ سال
ایھود باراک	۱ بار و حدود ۲ سال
آریل شارون	۲ بار و حدود ۴ سال
ایھود اولمرت	۱ بار و حدود ۳ سال
بنیامین نتانیاھو	بار دوم (فعلی)

5. <http://www.dw-world.de/dw/article/0,4023357,00.html>

6. [http://www.qodsna.com/NewsContent-id\\_15153.aspx](http://www.qodsna.com/NewsContent-id_15153.aspx)

7. <http://www.presstvbeirut.com/pages/print.php?cid=7834>

8. [http://www.rasad.ir/index.php?option=com\\_yahoo&Itemid=1&page=farsi/personsFish&action=4&Id=25](http://www.rasad.ir/index.php?option=com_yahoo&Itemid=1&page=farsi/personsFish&action=4&Id=25)

۹. روزنامه الوطن سوریه، مترجم: دکتر مصطفی پارسایی پور.

[http://www.qodsna.com/NewsContent-id\\_13674.aspx](http://www.qodsna.com/NewsContent-id_13674.aspx)

10. <http://www.khabaronline.ir/news-3834.aspx>

۱۱. یوسی بیلین – اسرائیل امروز، سخنان اولمرت، نوشدارو بعد از مرگ سهراب

<http://www.presstvbeirut.com//pages/?cid=6118>

۱۲. رابرت فیسک، ایندیپندنت، ۱۹ مارس ۲۰۰۹، ترجمه: لیدا هادی

<http://www.khabaronline.ir/news-5515.aspx>

13. <http://www.alquds.com/node/137501>